

شهر عفت (نگاهی به وفات حضرت معصومه سلام الله علیها)

<"xml encoding="UTF-8?">



اشاره

آگاهی به فرهنگ و روش زندگی پر افتخار خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آل علی (علیه السلام) و پناهندگی معنوی و عملی به این پناهگاه مطمئن و استوار یکی از اصلی ترین راه های شناخت اسلام ناب و بهره مندی از آن است؛ چرا که آن ها از سرچشمه زلال اسلام آب نوشیده اند و تبلوری از مکتب حیاتبخش پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) هستند.

در این میان آگاهی به زندگی حضرت معصومه (علیها السلام) که گلی از گلستان خاندان نبوت است و آگاهی به سرزمین مقدس قم و برکات این سرزمین و حوزه علمیه و ماجرای مسجد جمکران و پایگاه بودن قم برای حکومت جهانی حضرت مهدی «عج» و... هر کدام فرهنگی پر بار و سازنده است که موجب هدایت و رشد بیشتر شده و ما را در مسیر ترقی معنوی مدد کاری نیرومند در سطح عالی خواهد بود.

مادر حضرت معصومه (علیها السلام)

آن طور که از شواهد و قرائین استفاده می شود مادر حضرت معصومه (علیها السلام) همان مادر حضرت رضا (علیه السلام) است برای مادر حضرت رضا (علیه السلام) نام های متعددی ذکر کرده اند: خیزران، ام البنین، نجمه ... و پس از آن که حضرت رضا (علیه السلام) از او متولد شد به او طاهره گفتند.

روز ولادت حضرت فاطمه معصومه (علیهاالسلام)

مطابق پاره ای از مدارک حضرت معصومه (علیهاالسلام) در روز اول ماه ذی قعدة سال 173 هـ . ق. در مدینه چشم به جهان گشود.

محدث گرانقدر مرحوم آیت الله شیخ علی نیازی (وفات یافته در دوم ذیحجه سال 1405 هـ . ق. که مرقدش در یکی از حجره های صحن رضوی در کنار بارگاه ملکوتی امام رضا (علیه السلام) قرار دارد و نویسنده کتاب پر بار مستدرک سفینه البحار که ده جلد است، در جلد هشتم چنین می نویسد:

«فاطمه المعصومة المولودة فی غرة ذی القعدة سنة 173.»

«فاطمه معصومه (علیهاالسلام) در آغاز ماه ذی قعدة سال 173 دیده به جهان گشود.»
مدارک دیگری نیز در مورد روز ولادت آن حضرت (در آغاز ذیقعدة) در دسترس است مانند:

1. عوالم العلوم، تألیف علامه بحرانی، ج 21، ص 328.
2. حياه الست، تألیف شیخ مهدی منصوری، ص 10.
3. فاطمه بنت موسی الامام موسی کاظم، تألیف دکتر محمد هادی امینی (فرزند علامه امینی) صاحب الغدیر، ص 5 و 21.

پیشگویی از ولادت حضرت معصومه (علیهاالسلام)

جالب این است که سال ها سال بلکه ده ها سال قبل از ولادت حضرت فاطمه معصومه (علیهاالسلام) از سوی امامان به ولادت چنین بانویی ارجمند مزده داده شده است. در این رابطه نظر شما را به دو روایت زیر جلب می کنیم:

1) قاضی نور الله شوشتری (شهید در سال 1109 هـ . ق.) در کتاب مجالس المؤمنین از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: آگاه باشید برای خدا حرمی است و آن حرم مکه است، برای رسول خدا حرمی است و آن مدینه است، برای امیر مؤمنان علی (علیه السلام) حرمی است و آن کوفه است، و قم کوفه کوچک است. بدانید که بهشت دارای هشت در است که سه در آن از قم گشوده می شود. آنگاه فرمود:

«تقبض فیها امرأة من ولدی اسمها فاطمة بنت موسی و تدخل بشفاعتها شیعتی الجنة باجمعهم»

«در قم بانویی از فرزندان من (یعنی نوه من) که نامش فاطمه دختر موسی بن جعفر است از دنیا می رود، بانویی که به شفاعت او در روز قیامت همه شیعیانم وارد بهشت می شوند.»

2) علامه مجلسی به سند خود از جمعی از اهالی ری نقل می کند که گفتند: به محضر امام صادق (علیه السلام) در مدینه رسیدیم و گفتیم: ما اهل ری هستیم، فرمود: مرحبا به برادران ما از اهالی قم! گفتیم: ما از اهالی ری هستیم، باز هم آن حضرت فرمود: «مرحبا به برادران ما از اهل قم! به همین ترتیب امام صادق (علیه السلام) اهل قم را ستود. آن گاه فرمود: برای خدا حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن شهر قم است، سپس فرمود:

«و ستد فن فیها امراه من اولادی تسمى فاطمة فمن زارها وَجَبَتْ له الجنة»

«و به زودی در قم بانویی از فرزندان من به نام فاطمه (معصومه) دفن شود کسی که مرقد او را زیارت کند بهشت بر او واجب می گردد.»

روایت کننده گوید: امام صادق (علیه السلام) این سخن را قبل از ولادت امام کاظم (علیه السلام) فرمود. با توجه به این که امام صادق (علیه السلام) قبل از ولادت امام کاظم (علیه السلام) از ولادت حضرت معصومه (علیها السلام) پیشگویی نموده است و با توجه به این که امام کاظم (علیه السلام) در سال 128 ه. ق. متولد شد و با توجه به ولادت حضرت معصومه (علیها السلام) در سال 173 چنین نتیجه می گیریم که بیش از 45 سال قبل از ولادت حضرت معصومه (علیها السلام) به ولادت او مزده داده شده است. بنابراین خاندان نبوت و دوستان مخصوص آن ها در طول بیش از 45 سال در انتظار ولادت چنین بانویی بوده اند. آنچه این انتظار را عمیق تر می کند این که مادر حضرت رضا (علیه السلام) و حضرت معصومه (علیها السلام) یکی و به نام نجمه بود و حضرت نجمه (علیها السلام) دو فرزند بیشتر نداشت که عبارت از حضرت رضا (علیه السلام) و حضرت معصومه (علیها السلام) بودند. نظر به این که حضرت رضا (علیه السلام) در سال 148 ه. ق. متولد شد، نتیجه می گیریم که حضرت رضا 25 سال جلوتر چشم به این جهان گشوده است. بنابراین، حضرت نجمه (علیها السلام) و حضرت رضا (علیه السلام) نیز در طول این مدت به طور عمیق در انتظار ولادت حضرت معصومه (علیها السلام) به سر می بردند.

آن روز شادی و نقطه پایان انتظار عمیق و طولانی همان آغاز ذی قعدة سال 173 ه. ق. بود. حضرت معصومه در این روز در مدینه در خانه عصمت و طهارت چشم به جهان گشود و نور درخشان او صفای دیگری به کانون خاندان نبوت بخشید؛ صفایی که ملکوتی و وصف ناپذیر بود.

راز ازدواج نکردن حضرت معصومه (علیها السلام)

با این که مسئله ازدواج از مستحبات اکید است و پیامبر فرمود:

«ما بنی فی الاسلام بناءً احب الی الله عزوجل و اعز من التزویج»؛ «در اسلام بنایی بر پا نشده که در پیشگاه

خداوند دوست داشتنی تر و عزیزتر از ساختمان ازدواج باشد».

این سؤال طرح می شود که تا آن هنگام که حضرت رضا (علیه السلام) در مدینه بود و به خراسان هجرت نکرده

بود حضرت معصومه (علیهاالسلام) حدود 27 سال عمر کرده بود، پس چرا ازدواج نکرد؟! در پاسخ به این سؤال می توان گفت: طبق وصیت امام کاظم (علیه السلام) ازدواج دختران امام کاظم (علیه السلام) به مشورت و اجازه امام رضا (علیه السلام) بستگی داشت؛ چرا که او به مصلحت خواهرانش آگاه تر از دیگران بود. گویا برای حضرت معصومه همسر مناسب و همتایی وجود نداشت؛ زیرا علاوه بر گفو دینی، کفو فرهنگی و معنوی نیز نقش به سزایی در ازدواج صحیح دارد، شاید بر همین اساس امام صادق (علیه السلام) فرمود: اگر خداوند متعال علی (علیه السلام) را برای فاطمه زهرا (علیهاالسلام) نمی آفرید در سراسر زمین از حضرت آدم (علیه السلام) گرفته تا هر انسانی بعد از او همسر همتای مناسبی برای فاطمه (علیهاالسلام) پیدا نمی شد.

در این جا ذکر این نکته نامناسب نیست که مطابق پاره ای از مدارک غیر معتبر، مأمون (هفتمین خلیفه عباسی) از حضرت معصومه (علیهاالسلام) خواستگاری کرد یا می خواست مقدمات خواستگاری را فراهم کند.

مطلب دیگری که در این جا گفته شده است این که: حکومت اختناق و سراسر وحشت هارون آن چنان مردم را نسبت به نزدیک شدن به خاندان نبوت ترسانده بود که کسی جرأت نمی کرد تا با دختران آن ها ازدواج کند؛ زیرا داماد امام کاظم (علیه السلام) شدن به معنی اقدام به کاری خطرناک بود که موجب سلب امنیت می شد.

امام کاظم (علیه السلام) مدتها در زندان بود و همان جا به شهادت رسید و امام رضا (علیه السلام) نیز بر اساس اطلاعی که از آینده داشت ناگزیر بود که به خراسان هجرت کند. این امور نیز می تواند دلیل دیگری بر ترک ازدواج حضرت معصومه (علیهاالسلام) شده باشد.

هجرت ناکام و مسموم شدن در ساوه

حضرت معصومه (علیهاالسلام) در پناه برادرش حضرت رضا (علیه السلام) در مدینه زندگی می کرد. هنگامی که یگانه برادرش در سال 200 ه. ق. به اجبار مأمون ناگزیر به خراسان هجرت کرد حضرت معصومه (علیهاالسلام) حدود یک سال دور از برادر به زندگی خود ادامه داد، ولی کاسه صبرش لبریز شد و شور و شوق دیدار برادر سرپای وجودش را فرا گرفته بود. او می خواست پرواز کند و به دیدار برادر بشتابد.

از سوی دیگر به مدینه خبر رسید که حضرت رضا (علیه السلام) ولیعهد مأمون شده و دارای امکانات و اختیارات وسیع گشته است. آل علی (علیه السلام) که در حجاز در فشار و سختی به سر می بردند تصمیم گرفتند به عنوان دیدار حضرت رضا (علیه السلام) به خراسان حرکت نمایند، از این رو آن ها در کاروان های متعدد به سوی خراسان حرکت نمودند. مطابق روایتی کاروانی که حضرت معصومه (علیهاالسلام) در میان آنها بود از 23 نفر به سرپرستی هارون بن موسی بن جعفر (علیه السلام) تشکیل می شد. حضرت معصومه با این کاروان منزل به منزل حرکت نمود تا به شهر ساوه رسید. در آن جا دشمنان خاندان نبوت به کاروان حمله کردند؛ هارون را به شهادت رساندند و جمعی را مجروح نمودند و موجب پراکندگی آنها شدند و توسط یک زن در غذای حضرت معصومه زهر ریختند.

به این ترتیب آن بانوی گرامی مسموم و بیمار شد و تقاضا کرد او را به قم ببرند. او را به قم بردند و پس از چند روز

در قم به شهادت رسید.

به نقل دیگر در این جنگ نابرابر هارون و سایر برادران و برادر زادگان حضرت معصومه (علیهاالسلام) که 23 تن بودند کشته شدند. حضرت معصومه (علیهاالسلام) همچون عمه اش زینب (علیهاالسلام) وقتی که بدن های پاره پاره آن ها را دید به شدت غمگین و سخت بیمار و به سوی قم روانه شد و پس از 16 یا 17 روز سکونت در قم به لقاء الله پیوست.

به این ترتیب هجرت حضرت معصومه (علیهاالسلام) ناکام ماند. او به دیدار برادر نایل نشد و در حالی که قلبش از داغ پر سوز فراق می تپید از دنیا رفت.

راز انتخاب قم

هنگامی که حضرت معصومه (علیهاالسلام) در ساوه بیمار و بستری شد پرسید از این مکان تا قم چقدر راه است. عرض کردند: ده فرسخ، آن حضرت عازم قم شد.

مرحوم عماد زاده تهرانی نقل می کند کاروانی که حضرت معصومه (علیهاالسلام) در میان آن بود و از مدینه به سوی خراسان حرکت نموده بود از 400 نفر تشکیل می شد. وقتی کاروانیان به ساوه رسیدند دشمنان خاندان رسالت به آن ها حمله کردند؛ در نتیجه گروهی از آن ها متواری و گروهی دیگر اسیر و در حدود 22 نفر کشته شدند و نقل شده حضرت معصومه (علیهاالسلام) را مسموم کردند و آن حضرت در حال مسمومیت و بیماری فرمود: مرا به قم ببرید، عازم قم شدند؛ زیرا قم مرکز شیعیان بود.

طبق روایت دیگر، حضرت معصومه (علیهاالسلام) فرمود: پدرم فرمود قم مرکز شیعیان ما می باشد. و محیط ساوه نیز نسبت به خاندان رسالت نامساعد بود. نیز در تاریخ آمده: هنگام قیام مختار (در سالهای 66 و 67 ه. ق.) جمعی از شیعیان بنی اسد از کوفه به قم آمدند و در قریه جمکران سکونت کردند. با توجه به این امور به خوبی روشن می شود که چرا حضرت معصومه (علیهاالسلام) قم را انتخاب کرد. این مطلب را با حدیثی جالب از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به پایان می بریم:

انس بن مالک می گوید: روزی در محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نشسته بودم، ناگاه حضرت علی (علیه السلام) به حضور آن حضرت آمد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) از او استقبال گرمی نمود و پس از معانقه بین دو چشم آن حضرت را بوسید، سپس فرمود: ای علی! خداوند ولایت تو را بر آسمان ها عرضه کرد، آسمان هفتم برای پذیرش ولایت تو از آسمان های دیگر پیشی گرفت، خداوند آن را به عرش آراست؛ سپس آسمان چهارم پیشی گرفت، خداوند آن را به بیت المعمور آراست؛ سپس آسمان دنیا پیشی گرفت؛ خداوند آن را به ستارگان آراست؛ سپس مکه به پذیرش آن سبقت گرفت، خداوند آن را به کعبه آراست؛ سپس مدینه سبقت گرفت، خداوند آن را به وجود من آراست؛ سپس کوفه سبقت گرفت، خداوند آن را به وجود تو آراست؛ سپس قم سبقت گرفت، خداوند آن را به وجود عرب (شیعه اشعری و...) آراست، و از قم دری را به سوی بهشت گشود.

استقبال گرم شیعیان قم از حضرت معصومه (علیهاالسلام)

علامه مجلسی از تاریخ قدیم (تألیف فاضل دانشمند حسن بن محمد که در سال 378 ه. ق. نوشته شده) نقل می کند که گفت: قول صحیح تر این است: هنگامی که خبر ورود حضرت معصومه (علیهاالسلام) را به ساوه بردند و خبر بیماری او به آل سعد (شیعیان عرب اشعری) رسید آل سعد به اتفاق تصمیم گرفتند به ساوه بروند و آن حضرت را دعوت کرده به قم بیاورند. در میان آن ها موسی بن خزرج بن سعد اشعری وقتی که به کاروان حضرت معصومه (علیهاالسلام) رسید مهار شتر او را که آن حضرت در میان محمل سوار بر شتر بود گرفت و او را به قم آورد و در خانه خود مهمان کرد. حضرت معصومه (علیهاالسلام) 16 یا 17 روز در خانه موسی بستری بود تا از دنیا رفت.

نظر به این که حضرت معصومه (علیهاالسلام) دهم یا دوازدهم ربیع الثانی از دنیا رفت و 16 روز در قم زیست نتیجه می گیریم که ورود آن حضرت به قم تقریباً در روز 23 ربیع الاول سال 201 ه. ق. بوده است.

دفن جنازه مطهر حضرت معصومه (علیهاالسلام)

زمینی که هم اکنون مرقد مطهر حضرت معصومه (علیهاالسلام) و صحن و سرای آن حضرت در آن جای دارد در عصر ورود حضرت معصومه (علیهاالسلام) به قم به نام بابلان خوانده می شد و از باغ های ساحلی موسی بن خزرج اشعری بود. پس از وفات حضرت معصومه (علیهاالسلام) جنازه مطهر او را غسل داده و کفن کردند و به همین زمین آوردند تا به خاک بسپارند. آل سعد سردابی حفر کردند. در این وقت بین آل سعد اختلاف شد که چه کسی جنازه آن حضرت را در آن سرداب به خاک بسپارد. سرانجام اتفاق کردند که سیدی پرهیزکار و پیرمردی پارسا که به نام قادر معروف بود وارد سرداب شود و آن گوهر پاک را دفن کند.

وقتی به سراغ آن پیرمرد رفتند ناگاه از جانب صحرا دو نفر سوار نقابدار پیدا شدند؛ وقتی به نزدیک رسیدند از مرکب خود پیاده شدند و بر جنازه حضرت معصومه (علیهاالسلام) نماز خواندند و سپس داخل سرداب شده و جنازه را دفن کردند. آن گاه بیرون آمدند و رفتند و کسی نفهمید که آن ها چه کسی بودند. آن گاه موسی بن خزرج سقف و سایبانی بر سر قبر مطهر برافراشت تا هنگامی که زینب دختر امام جواد (علیه السلام) وارد قم شد و قبه ای بر روی آن مرقد مطهر بنا کرد.

بعضی احتمال داده اند که آن دو نقابدار حضرت رضا (علیه السلام) و امام جواد (علیه السلام) بوده اند، این موضوع نیز در جای خود بسیار مورد توجه است از این رو که در مورد امام (علیه السلام) دستور داده شده که جنازه آن ها را امام دفن کند. بعضی از خواص نیز دارای چنین امتیازی هستند، مانند حضرت عباس (علیه السلام) که جنازه مطهرش را امام سجاد (علیه السلام) دفن کرد. وقتی بنی اسد برای کمک پیش آمدند امام سجاد (علیه السلام) به آن ها فرمود: «ان معی من یعنینی» کسانی (از فرشتگان و ملکوتیان) همراه من هستند و مرا در دفن جنازه حضرت عباس (علیه السلام) کمک می کنند.

پی نوشت ها :

1. مناقب آل ابیطالب، ج 4، ص 367.
2. مستدرک سفینه البحار، ج 8، ص 257.
3. مجالس المؤمنین، ج 1، ص 83؛ بحار الانوار، ج 60، ص 228.
4. بحار الانوار، ج 60، ص 216 و ج 48، ص 317.
5. طبری شیعی، دلائل الامامه، چاپ منسورات رضی، ص 149.
6. مرحوم محدث گرانقدر آیت الله شیخ علی نمازی در کتاب مستدرک سفینه البحار، ج 8، ص 251. گوید:
حضرت معصومه (س) در آغاز ذی قعده سال 173 دیده به جهان گشود. بعضی به نقل از لواقع الانوار به جای 173، 183 نوشته اند، مطابق این قول حضرت معصومه (س) که در سال 201 ه. ق. از دنیا رفت حدود 18 سال داشت. ولی با توجه به این که امام کاظم (ع) پدر حضرت معصومه در سال 179 دستگیر و زندانی شد و در سال 183 در بغداد به شهادت رسید و در این مدت از خانواده اش دور بود، به نظر نمی رسد که حضرت معصومه (س) درست در سال 183 به دنیا آمده باشد. ظاهراً در این مورد یک جابه جایی رخ داده، لذا 173 صحیح می باشد. بنابراین حضرت معصومه (س) در 28 سالگی از دنیا رفته است.
7. وسائل الشیعه، ج 14، ص 3.
8. اصول کافی، ج 1، ص 261.
9. این مطلب در کتاب انوار المشعشعین تألیف محمد علی بن حسین کاتوزیان (چاپ سنگی) نقل شده ولی سند درستی ندارد و بی پایه است.
10. جعفر مرتضی عاملی، الحیاه السیاسیه للامام الرضا (علیه السلام)، ص 428، قیام سادات علوی، ص 168 و 161؛ وصیّة المعصومین، میرزا ابوطالب بیوک، ص 68.
11. منصورى، حیات الست، ص 160.
12. بحار الانوار، ج 60، ص 219.
13. عماد زاده، زندگی حضرت موسی بن جعفر، ج 2، ص 384.
14. سقا زاده، دریای سخن.
15. گنجینه آثار قم، ج 1، ص 382.
16. تاریخ قدیم قم، ص 38.
17. بحار الانوار، ج 60، ص 222. برای دریافت سابقه درخشان قم، به بحار الانوار، ج 60، ص 211 تا 221 مراجعه

شود.

18. او از بزرگان خاندان اشعری و از اصحاب امام رضا (ع) بود.

19. بحارالانوار، ج 60، ص 219.

20. چند سالی است که در این روز در قم از طرف آستانه مقدسه مراسمی شبیه استقبال از حضرت معصومه

(س) برگزار می شود که یادآور خاطره ورود آن حضرت به قم است.

21. بحارالانوار، ج 60، ص 219.

22. موسوی المقرّم، مقتل الحسین (علیه السلام)، ص 398.